

پرسش و پاسخ ندای آزادی از فعالان سیاسی درباره‌ی مقدرات برجام

احسان دهکردی

ندای آزادی: با توجه به شرایط سالهای قبل از برجام مانند تحریم های بین المللی و خطر جدی جنگ، آیا برجام (برنامه جامع اقدام مشترک) قرارداد مثبتی برای کشور ما بود، و یا فقط باعث بقای جمهوری اسلامی شد؟

احسان دهکردی: برجام "نرمش قهرمانانه" جمهوری اسلامی بعد از قلدر منشی های توخالی در بخصوص هشت سال ریاست جمهوری احمدی نژاد برای ساخت بمب اتمی و مواضع سیاسی جهانی آنها بود.

طبیعی است که جمهوری اسلامی برای رفع تحریمها و خلاص شدن از این وضعیت مجبور شد امتیازات زیادی به اروپا و آمریکا چه در زمینه سیاسی و چه اقتصادی بدهد.

با خارج شدن آمریکا از برجام شرایط برای فشارهای بیشتر آماده شده است. با سیاست چماق و شیرینی از طرف آمریکا و اروپا، آنها در تلاشند که امتیازات بیشتری از جمهوری اسلامی بگیرند همانطور که روسیه و چین نیز گرفته اند.

تا زمانی که اروپا، چین و روسیه از جمهوری اسلامی پشتیبانی کنند و روابط اقتصادی و سیاسی با او داشته باشند، جمهوری اسلامی خواهد ماند.

ندای آزادی: در صورتی که ایران به تعهداتش بر مبنای این توافق ادامه دهد و دیگر طرفهای برجام مانند چین، روسیه و اروپا به آن پایبند بمانند، برجام می تواند بدون حضور آمریکا ادامه داشته باشد؟

دهکردی: برجام بدون آمریکا معنی ندارد. جمهوری اسلامی یک کشور وابسته به سرمایه داری جهانی است. جمهوری اسلامی با توجه به شعار

فریب دهنده مرگ بر آمریکا یک کشور و ابسته و تمان تحت اختیار اروپا و آمریکاست. کارساز بودن تحریمهای آمریکا نشانی از وابستگی و درماندگی جمهوری اسلامی و فریبکاریهای آنها با شعار های عوام فریبانه عدم وابستگی، خود کفائی و استقلال است.

ندای آزادی: آیا ملغا شدن برنامه برجام باعث سقوط و یا تسريع سقوط نظام جمهوری اسلامی خواه شد؟

دهکردی: مواضع سیاسی کشورهای اروپائی با توجه به بحران سرمایه داری جهانی، نشان از آن دارد که با گرفتن امتیاز از جمهوری اسلامی و رام کردن آن، آینده را بی تشنج تر از فروپاشی نظام و پی آمدهای نا مشخص آن می بینند. بر این اساس همانطور که در کره شمالی و سوریه دنبال کردند، دنبال گرفتن امتیازهایی از جمهوری اسلامی هستند.

ندای آزادی: با توجه به قدرت و امکانات گسترده آمریکا برای تحریم ایران و تحت فشار قراردادن کشورهای دیگری که با ایران مناسبات اقتصادی دارند، خروج آمریکا از برجام چه پیامدهای برای مردم ایران و برای جمهوری اسلامی به همراه خواهد داشت؟

دهکردی: وضعیت اقتصادی مردم بدتر از این خواهد شد. وضعیت امروز جهانی و شرایط سیاسی جمهوری اسلامی با توجه به پراکندگی مبارزات مردم و عدم یک تفاهم عمومی بین ایرانیان هیچ اتفاقی برای جمهوری اسلامی نخواهد افتاد.

ندای آزادی: اپوزیسیون خارج از کشور چه وظائفی در این شرایط بر عهد دارد؟

دهکردی: افشاگری در مورد جمهوری اسلامی با زبانهای مختلف در ابعاد سازمانهای جهانی و بخصوص اروپائیان.

پرسش و پاسخ ندای آزادی از فعالان سیاسی درباره‌ی مقدرات برجام

فرامرز دادور

ندای آزادی: با توجه به شرایط سالهای قبل از برجام مانند تحریم های بین المللی و خطر جدی جنگ، آیا برجام (برنامه جامع اقدام مشترک) قرارداد مثبتی برای کشور ما بود، و یا فقط باعث بقای جمهوری اسلامی شد؟

فرامرز دادور: در صورت وجود یک رژیم دمکراتیک در ایران، هر نوع قراردادی میبایست از کانال شفاف، قانونی (موافقت پارلمان) بگذرد. اما در نبود این شرایط، بهتر است که از انجام هر نوع موافقتنامه ای که موجب برداشتن تحریم های اقتصادی، جلوگیری از بروز جنگ و حفظ صلح، اختلال در تولید تکنولوژی منوط به سلاح های اتمی و از همه مهمتر، تقلیل در فشار بر زندگی توده های مردم باشد، بدون دادن اعتبار سیاسی به جمهوری اسلامی، استقبال شود، حتی اگر که حکومتگران بخواهند از این موضوع برای افزودن به حیات نظام استفاده نمایند. بر اساس تفاهم هسته ای برجام (برنامه جامع اقدام مشترک) در وین بین ایران، اتحادیه اروپا و گروه 5+1 در 2015 (23 تیرماه 1394)، ایران تضمین نمود: که سلاح اتمی تولید نکند، ماشینهای سانترافیوژ را از 20000 به 5000 تقلیل دهد و 98 درصد از ذخایر اورانیوم را از بین برده و مابقی اورانیم را در سطح ماکزیمم 3.6 در صد حفظ کند. طبق گزارش آژانس بین المللی انرژی اتمی (ال ای ای ای) ایران به موارد فوق عمل نموده است. برای آن بخش از اپوزیسیون مردمی، از جمله جنبش جمهوریخواهان دمکرات و لائیک که مخالف تولید سلاح های اتمی در ایران و جهان است، این توافق نامه، میباید بخودی خود یک حرکت مثبت قلمداد میشد.

ندای آزادی: در صورتی که ایران به تعهداتش بر مبنای این توافق ادامه دهد و دیگر طرفهای برجام مانند چین، روسیه و اروپا به آن پایبند بمانند، برجام می تواند بدون حضور امریکا ادامه داشته باشد؟

دادور: امکان اینکه تعهد به پرجام، بدون ادامه حضور امریکا در این موافقتنامه ادامه پیدا کند، مشکل است. دولت امریکا بر متحدین و حتی کشورهای همشایه ایران مانند عراق فشار وارد میکند که مبادلات اقتصادی بر مبنای دلار را با ایران به حداقل برسانند. البته در مقابل، ایران، نیز در تلاش است که علاوه بر روسیه و چین به همکاریهای نزدیکتر با ترکیه و پاکستان دست یابد. در وضعیت کنونی، حکومتگران امریکا در راستای استراتژی جهانی و در رقابت با دیگر قدرتهای جهانی مانند چین، روسیه و اتحادیه اروپا، خواستار تداوم کنترل سیاسی و نظامی در منطقه خاورمیانه هستند و بدان جهت ضروری میبینند که رژیمهای غیر متعارف و سرکش مانند جمهوری اسلامی، "رام" گردند. اما سیاستهای دیگر قدرتهای جهانی که در درجه اول، منافع سرمایه های داخلی خود را تعقیب میکنند، با امریکا همسو نیست. برای مثال صنایع ماشین سازی چینی 10 درصد و تولیدات لوازم یدکی حدود 50 درصد از بازار ایران را در دست دارند و کشور چین هر سال نزدیک به 15 بلیون دلار نفت از ایران وارد میکند. روسیه موافقت کرده است که حدود 50 بلیون دلار در صنایع نفت و گاز ایران سرمایه گذاری کند. در ضمن چین و روسیه تضمین کرده اند که به روابط اقتصادی با ایران را ادامه بدهند. در دنیای امروز که روابط اقتصادی بین کشورها پیوند بسیار نزدیکی با هم دارند، تحریم اقتصادی امریکا در عین اثر گذاری مخرب در اقتصاد ایران، لزوماً سرنوشت ساز نخواهد بود، در عین اینکه احتمالاً تفاهم نامه پرجام، نیز بتدریج بکنار گذاشته خواهد شد.

ندای آزادی: آیا ملغا شدن برنامه پرجام باعث سقوط و یا تسریع سقوط نظام جمهوری اسلامی خواه شد؟

دادور: نمیتوان پاسخی قاطع به این سوال داد. حال که پرجام، یکجانبه از سوی امریکا ملغی شده است، سردمداران رژیم و بویژه شخص خامنه ای بخاطر حفظ نظام و جایگاه حکومتی خود به انواع ترفندها متوسل میگردند. اگر در سالهای پیش با دستور خامنه ای و مدیریت حسن روحانی، رژیم ایران به پای مذاکره با کشورهای 5 بعلاوه 1 رفت و دستور داده شد که "مجلس نمایندگان" پرجام را بلافاصله تصویب کند، حال، ادعا میگردد که اصلاً "مذاکره با امریکا ممنوع باشد". این نوع چرخشها در مواضع سیاست خارجی و ارائه نمایش در افکار عمومی، عمدتاً بخاطر حفظ "مشروعیت" نظام در برابر مردم است. اما بهر حال مشکلات زیادی در مقابل حکومت جمهوری قرار دارند. با توجه به عوامل مهمی مانند: وضعیت وخیم

اقتصادی، فقر و محرومیت فزاینده در جامعه، تنزل شدید در ارزش پول ایران، تورم بالا و گسترش معضله‌های فراگیر اقتصادی به پایگاه سنتی نظام (طیف‌های پایین بازار که اکثریت کمی را در این قشر تشکیل می‌دهند)، ناروشنی در رابطه با جانشینی در بعد از مرگ خامنه‌ای و البته اوج‌گیری اعتراضات و اعتصابات در میان جنبش‌های اجتماعی، بویژه از سوی کارگران، زنان و فعالان حقوق بشر و محیط زیست که خیزش دی ماه نمونه بسیار مشهود آن بود؛ ادامه بقای نظام بسیار مشکل شده است.

ندای آزادی: آبا توجه به قدرت و امکانات گسترده امریکا برای تحریم ایران و تحت فشار قراردادن کشورهای دیگری که با ایران مناسبات اقتصادی دارند، خروج امریکا از برجام چه پیامدهای برای مردم ایران و برای جمهوری اسلامی به همراه خواهد داشت؟

دادور: یکی از پیامدهای آن ضربه به روند جهانی برای جلوگیری از افزایش تولید سلاح‌های اتمی است که در نهایت برای مردم ایران و جهان ضرر خواهد داشت. البته، تاثیر آن در وضعیت مردم و حکومت چند گانه می‌باشد. تحریم‌های اقتصادی باعث ناهنجاری‌های زیادی در شرایط زندگی مردم می‌گردد که هم اکنون با فقر، محرومیت، بیکاری، کم کاری و گرانی مواجه هستند. اتحادیه اروپا، به رغم وجود تمایل در دول آن برای حفظ برجام، با توجه به ارتباط تنگاتنگ اقتصاد سرمایه داری آن با امریکا و وجود هژمونی مالی از سوی شرکت‌های امریکایی، نخواهد توانست به روابط اقتصادی عادی و سرمایه گذاری در ایران ادامه دهد. پیشاپیش، شرکت‌های هواپیماهای مسافربری ایرباس، کشتیرانی فرانسوی سی ام سی ام و شرکت نفتی توتال فعالیت‌های اقتصادی خود با ایران را تقلیل داده یا متوقف نموده اند. مکانیسم مالی سوئیت (جامعه جهانی ارتباطات مالی بین بانکها) نیز دوباره متوقف شده، روابط پولی ایران با خارج تقریباً فلج گردیده است. به احتمال زیاد، رژیم ایران که خواهان رویارویی نظامی با امریکا و اسراییل نبوده و ادامه حیات خود را در قید حفظ روابط اقتصادی با غرب و البته در سطحی با امریکا می‌بیند، اما بخاطر مصالح ایدئولوژیک (از جمله حفظ "مشروعیت" سیاسی در میان پایگاه اجتماعی خود که سریعاً در حال تقلیل است) مجبور است که در سطحی به سیاست‌های دخالتگرانه در منطقه ادامه داده و برنامه موشکی خود (که یکی از شرایط دولت امریکا برای از سرگیری برجام است) را متوقف نسازد. به احتمال زیاد، این واقعه به محو تدریجی تفاهم نامه منجر خواهد شد که ایران و منطقه را در معرض معضلات

عظیم اقتصادی و خطر جنگ قرار میدهد.

ندای آزادی: اپوزیسیون خارج از کشور چه وظائفی در این شرایط بر عهده دارد؟

دادور: برای اپوزیسیون مردمی ایران، بهبودی در وضعیت اقتصادی و اجتماعی مردم میبایست از اهمیت درجه اول برخوردار بوده و در نزاع بین رژیم ایران و دول خارجی که عمدتاً بخاطر حفظ منافع استراتژیک آنها است، جانبداری از هیچ سویی جایز نیست. بویژه در رابطه با دعوی بین دو دولت ایران و آمریکا که دولت آمریکا، در پرتو استراتژی هژمونیک خود میخواهد رژیم ایران با اسرائیل، عربستان و امارات اتحاد عربی کنار آمده و اجازه دهد که حاکمان در این کشورها به مقاصدشان از جمله در عراق، سوریه و لبنان برسند و اینکه جمهوری اسلامی بخاطر برنامه های استراتژیک و از جمله حفظ جایگاه سیاسی خود، نمیخواهد از برخی نواحی در خاورمیانه عقب نشینی کند؛ مستقیماً به منافع مردم ایران مربوط نیست. اما بر اساس یک نگاه متری که از یکطرف رژیم جمهوری اسلامی را نفی میکند و از طرف دیگر با سیاستهای هژمونیک آمریکا و متحدانش مخالف بوده، خواستار برقراری مناسبات دیپلماتیک صلح جویانه و متعهد به ارزشهای جهانشمول حقوق بشر در سطح جهان میباشد، تحریمهای اقتصادی و برخورد نظامی قابل قبول نیست. ایجاد دگرگونی رادیکال در جامعه بر عهده مردم در ایران است که به رسالت عظیم خود برای براندازی نظام و استقرار دموکراسی و عدالت اجتماعی عمل کنند.

**پرسش و پاسخ ندای آزادی از
فعالان سیاسی دربارهی مقدرات
برجام**

مهرداد درویشپور

ندای آزادی: با توجه به شرایط سالهای قبل از برجام مانند تحریم های بین المللی و خطر جدی جنگ، آیا برجام (برنامه جامع اقدام مشترک)، قرارداد مثبتی برای کشور ما بود، و یا فقط باعث بقای جمهوری اسلامی شد؟

مهرداد درویش پور: نمی توان انکار کرد که جمهوری اسلامی جاه طلبی دست یابی به سلاح هسته ای را دهه ها است در سر پروانده است و گاه تحت عنوان "انرژی هسته ای حق مسلم ما است" سعی کرده است به گسترش غنی سازی اورانیوم با امید به دست یابی به ظرفیت تولید سلاح هسته ای پیش رود. حکومت های همچون کرده شمالی و ایران برخورداری از سلاح هسته ای را به عنوان تضمینی برای بقای خود می بینند. کره شمالی البته با حمایت تلویحی و آشکار چین و روسیه بالاخره به آرزوی خود رسید. جمهوری اسلامی هم هیچ برای صرف نظر کردن از این خواست نداشت به ویژه آن که دشمن اصلی اش در منطقه -اسرائیل - و حتی برخی از همسایگانش به سلاح هسته ای دست یافته بودند. اما گویی جمهوری اسلامی متوجه نبود آمریکا و غرب به دلیل موقعیت استراتژیک ایران، منابع نفتی کشور و منطقه و درست به دلیل دشمنی با اسرائیل هرگز چنین اجازه ای را به ایران نمی دادند. از این رو نه تنها در پی برجام بلکه دستکم از 15 سال پیش به این سو جمهوری اسلامی ایران وادار شده بود که برنامه های دست یابی به سلاح هسته ای را به کناری نهد، بدون آن که لزوماً از آرزوی آن صرف نظر کند.

با این وجود برجام به قصد مهار کردن هرچه بیشتر جمهوری اسلامی و کاهش نگرانی اسرائیل و دیگر دشمنان جمهوری اسلامی در منطقه و غرب در ازای تضمین کاهش تحریم ها بر جمهوری اسلامی تحمیل شد. مهار بازهم بیشتر فعالیت های هسته ای ایران اما نه آمریکا و متحدانش در منطقه را راضی کرد و نه از ماجراجویی و مداخلات ایران در منطقه کاست. به وارونه نفوذ و مداخله جمهوری اسلامی در یمن، سوریه، لبنان و عراق برای گسترش "عمق استراتژیک" همچون راه حل دیگری برای تضمین بقای آن افزایش یافت. از آن فراتر رجز خوانی ها و تحریکات نظامی نظیر آزمایش موشکی با شعار مرگ بر اسرائیل نیز به آن اضافه شد. امری که بهانه را به دست محافل راست محافظه کار در آمریکا داد که با روی کار آمدن ترامپ آمریکا و فشار عربستان و اسرائیل آمریکا را از برجام خارج و تحریم ها را تشدید کند.

توافق برجام خطر حمله نظامی و تشدید تحریم ها را از سر مردم

ایران رها کند. اما در عین حال خطر به سایه رفتن نقض حقوق بشر در ایران را شدت بخشید. ماجراجویی های بعدی ایران نشان داد که به جای آن که از مهلت برجام برای بهبود روابط با جهان غرب و از جمله آمریکا و منزوی کردن دشمنان ایران استفاده شود، از آن برای گسترش تحکیم موقعیت جمهوری اسلامی، جاه طلبی های آن و گسترش " عمق استراتژیک" استفاده شد. امری که هزینه مالی بیشتر برای مداخلات نظامی ایران در منطقه را به خرج مردم و به جای بهبود موقعیت اقتصادی کشور و گسترش تنش های منطقه ای را در بر داشت. با خروج آمریکا از برجام و تحریم های اقتصادی گسترده تر اما بازهم فشار اقتصادی بر مردم افزایش یافت. گویی مردم مرغ عزا و عروسی هستند. چه در سایه برجام و در پرتو گسترش هزینه های مداخلات نظامی ایران در منطقه و بی اعتنائی به نقض حقوق بشر در آن دوران، و چه با لغو برجام و گسترش تحریم ها افزایش فشار های اقتصادی برگردان مردم پیامد آن بود. به این ترتیب طنز تاریخ در این است که مردم ایران هم بازنده این توافق و هم بازنده لغو آن هستند! با این همه اکثر مردم از بابت احتمال کاهش تحریم ها و رفع خطر حمله نظامی به ایران و گسترش تنش زدایی بیشتر خواستار حفظ برجام بودند.

ندای آزادی: در صورتی که ایران به تعهداتش بر مبنای این توافق ادامه دهد و دیگر طرفهای برجام مانند چین، روسیه و اروپا به آن پایبند بمانند، برجام می تواند بدون حضور آمریکا ادامه داشته باشد؟

درویش پور: به لحاظ سیاسی برجام بدون آمریکا تا زمانی که اروپا به تعهدات خود ادامه دهد و ایران هم خویشتنداری کند می تواند ادامه یابد هرچند تا حدودی به شیر بی یال و دم و اشکم تبدیل خواهد شد! به لحاظ اقتصادی اما توافقی که به کاهش تحریم آمریکا علیه ایران منجر نشود، آسیب های جدی نه تنها برای سران نظام، بلکه برای اقتصاد کل کشور و سطح معیشت مردم را در بر خواهد داشت. به ویژه آن که بسیاری از شرکت های اروپایی نگران از مجازات های اقتصادی به نقد اعلام کرده اند مایل به ادامه سرمایه گذاری در ایران نیستند و شاهد خروج یکی پس از دیگری از بازار اقتصادی ایران هستیم.

ندای آزادی: آیا ملغا شدن برنامه برجام باعث سقوط و یا تسریع سقوط نظام جمهوری اسلامی خواهد شد؟

درویش پور: جمهوری اسلامی ایران در پی تظاهرات دی ماه وارد دوران

برگشت ناپذیر و سراشیبی شده است. گسترش شکاف های طبقاتی، بحران اقتصادی، گسترش بیکاری و گرانی، فساد، اختلاس، اقتصاد رانتی و دهها مشکلات کشور پیش از برجام هم وجود داشته اند. امری که رویگردانی هرچه بیشتر مردم از نظام را شتاب بخشید. امری که در تظاهرات دیمه گذشته به عریانی بازتاب یافت. تحریم ها اما به نارضایتی ها دامن زده و فشار بر جمهوری اسلامی را افزایش داده است. به گمانم جمهوری اسلامی ایران به سادگی توان چندانی برای ایستادگی در برابر تحریم ها را ندارد. قبل از هرچیز از آن رو که یک نظام پوسیده اقتصادی، با استبداد سیاسی و ماجراجویی نظامی در منطقه و یک ایدئولوژی واپس گرا، امروز بیش از هر زمان دیگری برای دست یابی به رشد اقتصادی، ثبات سیاسی و مشروعیت اجتماعی با چالش های جدی روبرو است و هرچه زمان می گذرد وفاقی همگانی هرچه فراگیر تری علیه آن چه در داخل و چه در خارج شکل می گیرد.

ندای آزادی: با توجه به قدرت و امکانات گسترده امریکا برای تحریم ایران و تحت فشار قراردادن کشورهای دیگری که با ایران مناسبات اقتصادی دارند، خروج امریکا از برجام چه پیامدهای برای مردم ایران و برای جمهوری اسلامی خواهد داشت؟

درویش پور: گسترش تحریمها بحران اقتصادی کشور را بیشتر خواهد کرد. فشار را بر گرده به ویژه تهیدستان جامعه شدت خواهد بخشید. نوسانات ارزی و سقوط بهای آن، گرانی بیشتر، افزایش بیکاری، کاهش تجارت خارجی، اختلال در واردات و صادرات، کاهش کالا و خدمات و کاهش درآمدهای نفتی را در بر خواهد داشت. در عین حال خطر گسترش احتکار، اختلاس و پول شویی را افزایش می دهد. البته سران جمهوری اسلامی و برخی تاسیسات نظامی حکومت نیز با فشار، محدودیت و ممنوعیت بیشتری روبرو خواهند شد و فشار سیاسی بر جمهوری اسلامی ایران نیز افزایش خواهد یافت. هم از این رو بسیاری با گسترش تحریم های هوشمند موافق و با تحریم هایی که دود آن به چشم مردم ایران برود مخالفند.

ندای آزادی: اپوزیسیون خارج از کشور چه وظائفی در این شرایط بر عهد دارد؟

درویش پور: من سالها است از ضرورت راه سوم که به معنای استقلال و صدای متمایزی از جمهوری اسلامی و اتکا به قدرت های قدرتهای خارجی برای برچیدن آن است سخن گفته ام. می دانم عدم تکیه بر یکی از دو منبع اصلی قدرت در این جدال به ویژه در این وانفسا بسیار دشوار

است اما برآنم از مشروعیت و مقبولیت بیشتری برخوردار است و شانس بیشتری برای یک گذار مسالمت آمیز را فراهم می کند. به موقعیت رقت انگیز آنان که سرنوشت خود را به نظام گره زده اند یا کاندیداهای چلیبسم ایرانی نگاه کنید که هر دو به رغم امکانات مالی، تشکیلاتی و تبلیغاتی گسترده همچنان قادر به جلب اعتماد مردم و افکار عمومی نشده اند. یک اپوزیسیون مستقل باید خواستار بهبود و بازسازی روابط ایران با جهان غرب و کاهش تنش با اسرائیل، عربستان و آمریکا شود. در عین حال در حوزه سیاست داخلی باید خواستار استقرار دموکراسی شود و برای آن پیکار کند. خواست هایی نظیر گشایش سیاسی، آزادی زندانیان سیاسی، آزادی احزاب و رسانه ها، لغو نظارت استصوابی، پایان بخشیدن به ولایت فقیه، تغییر قانون اساسی، فراندوم و انتخابات آزاد برای تشکیل مجلس موسسان از سلسله مطالباتی هستند که در راستای گذار مسالمت آمیز و تحقق دموکراسی در ایران سودمند هستند. همگرایی جمهوری خواهان و همسویی با همه نیروهای دموکراتیکی که از گذار مسالمت آمیز از نظام جمهوری اسلامی به نظامی مبتنی بر جمهوریت، دموکراسی و سکولاریسم در ایران حمایت می کنند، از جمله وظایف اپوزیسیون است. با این همه نمی توانم نگرانی خود را از ناتوانی جمهوری خواهان در پاسخ به این ضرورت تاریخی در متن پراکندگی کنونی، جدایی اپوزیسیون داخل و خارج از کشور و خو گرفتن به زیست محفلی و جدایی از متن مبارزات اجتماعی مردم و نیروهای اتنیکی تحت ستم پنهان کنم. تشکیل قطب و جبهه جمهوری خواهان و همکاری های موردی با دیگر نیروهای اپوزیسیون و مداخله فعال در مبارزات اجتماعی نیازمند اراده معطوف به تغییر، کلان نگری و حضور نیروهای جوانتر در صحنه سیاست است که خلا آن به طور جد به چشم می خورد که چشم اسفندیار اپوزیسیون است.

پرسش و پاسخ ندای آزادی از

فعلالان سیاسی

در باره‌ی مقدرات برجام

مهران مصطفوی

ندای آزادی: با توجه به شرایط سالهای قبل از برجام مانند تحریم‌های بین‌المللی و خطر جدی جنگ، آیا برجام (برنامه جامع اقدام مشترک)، قرارداد مثبتی برای کشور ما بود، و یا فقط باعث بقای جمهوری اسلامی شد؟

مهران مصطفوی: برای پاسخ روشن دادن به این سؤال، اول از همه باید ببینیم که علت برجام چه بود. برجام از دید غرب و جمهوری اسلامی برای پایان دادن به بحران هسته‌ای بود. بحرانی که نتیجه 4 دروغ اصلی و پایه‌ای به شرح زیر بود:

اولین خلاف حقیقت که حدود 25 سال است حاکمیت آن را تکرار می‌کند این است که ایران به انرژی هسته‌ای نیاز دارد فریب دوم این است که ایران برای تولید انرژی هسته‌ای نیاز به صنعت غنی‌سازی اورانیوم دارد. دروغ سوم درباره نیاز به انتخاب تکنولوژی آب سنگین برای راکتور اراک است. دروغ چهارمی نیز وجود دارد که در آن سوی مرزهای ایران ساخته شده است و خلاصه این دروغ این است که «ایران تا اندکی دیگر بمب اتمی خواهد ساخت». از دید نگارنده با توجه به گزارشی که ۱۶ سازمان اطلاعاتی آمریکا در سال ۱۳۹۰ منتشر کردند و اطلاعاتی که از ایران به دست می‌آمد، واضح بود که رژیم ایران از سال ۲۰۰۳ پیش بردن پروژه ساختن سلاح اتمی را کنار گذاشته است. به اصطلاح افشاگری نتانیاهو تکرار همان صحبتها بود و با وجود دزدیدن چند تن مدرک و سند توسط اسرائیل، سندی دال بر ادامه سیاست ساختن بمب توسط ایران پیدا نشد. البته بر این عقیده بودم و هستم که بدون سه دروغ اول ممکن نبود اسرائیل و محافظه کاران جدید و برخی از دولت‌های غربی بتوانند دروغ چهارم را بسازند.

بارها از قبل از آغاز مذاکرات هشدار می‌دادم که چون ایران برای پیشبرد سیاست‌های خود از بحران هسته‌ای استفاده می‌کند، غرب نیز با انگشت گذاشتن بر روی خطر ساختن بمب هسته‌ای، به ایران فشار می‌آورد تا از موضع قدرت وارد مذاکره شود. و سرانجام غرب با توافق وین موفق شد جام زهر را به آقای خامنه‌ای بنوشاند.

اما اگر به برجام از دید حقوق ایرانیان بنگریم متوجه می شویم که هنوز همان 4 دروغ بالا پابرجا هستند و مسئله ای حل نشده است. با برجام مشخص نشد چرا ایران 15 سال بهای سنگین سیاست هسته ای را پرداخته است. و بالاخره اینکه در برجام ایران از موضع ضعف به دهها تعهد تن داد و در عوض چیزی دریافت نکرد چنانچه تحریمهای امریکا ادامه یافت و حتی امریکا تحریمها را تشدید کرد و از برجام هم بالاخره بیرون آمد. ایران از نظر حقوقی کاری نمی تواند بکند و شاید - به احتمال کم - بتواند امریکا را در دادگاه لاهه محکوم کند ولی حتی در اینصورت تغییری رخ نخواهد داد زیرا برای امریکا حکم واجب الاجرا نیست. و مهمتر از همه اینکه برخی طوری وانمود می کردند که به غیر از برجام راهی برای پایان دادن به بحران اتمی نیست. اما راهی بود و هنوز هم هست، راهی که رژیم نمی خواهد بپذیرد زیرا دروغهایش افشا می شوند. بطور مثال هیچ دلیل عقلانی برای ادامه غنی سازی اورانیوم در ایران وجود ندارد اما با برجام اینکار - حتی بصورت نمادین ادامه پیدا کرده است و کسانی که از بین مخالفین از برجام دفاع کردند این مسائل مهم را در نظر نگرفتند و یا با مصلحت اندیشی چشم پوشی کردند.

در پایان این امر را باید یادآوری کرد که نقش مخالفان مستقل و دمکرات رژیم ارائه راه حلهای خود در چارچوب دفاع از حقوق ملی ایرانیان می باشد نه اینکه در زندان انتخاب بین بد و بدتر قدرتها عمل کنند. اکنون ما بعد از 4 سال شاهد هستیم که برجام حقوق ملت ایران را در نظر نگرفته بود و گره ای هم از کار مردم نگشود. از همان فردای امضای برجام بارها هشدار دادم که آقای خامنه ای توافقی را می خواهد که با آن نه رابطه با کشورهای غرب و خصوصا امریکا سالم شود و به بحرانها پایان داده شود و نه در داخل ایران گشایشی صورت گیرد و متاسفانه چنین نیز شد.

ندای آزادی: در صورتی که ایران به تعهداتش بر مبنای این توافق ادامه دهد و دیگر طرفهای برجام مانند چین، روسیه و اروپا به آن پایبند بمانند، برجام می تواند بدون حضور امریکا ادامه داشته باشد؟

مصطفوی: برجام می تواند بدون امریکا ادامه پیدا کند اما بی روح خواهد بود و بکار ایران هم نمی آید. یعنی آنچه که رژیم از برجام می خواست که کم کردن بار فشار تحریمها بود با توجه به سیاست آقای ترامپ تحقق نخواهد یافت. طرف اول ایران امریکا بود نه اروپا یا چین و روسیه. در ایران کسانی که به برجام تن دادند گمان می

کردند همیشه نوعی از حکومت آقای اوباما در امریکا خواهد بود. اما اینطور نشد و تن به تعهدهایی غیرقابل بازگشتی دادند و اکنون نمی دانند چه باید بکنند. اروپا هم هنوز اراده آن را ندارد که سیاست مستقلی از امریکا داشته باشد حتی اگر سیاسیون اروپایی سخن از چنین اراده ای بکنند وضعیت تغییر جدی نخواهد کرد زیرا سرمایه داری اروپا حاضر نیست بخاطر بازار کوچک ایران منافع خود را در امریکا بخطر اندازد. بدینخاطر هر روز با خارج شدن شرکتهای مختلف اروپایی از بازار ایران روبرو هستیم.

ندای آزادی: آیا ملغا شدن برنامه برجام باعث سقوط و یا تسریع سقوط نظام جمهوری اسلامی خواهد شد؟

مصطفوی: علل تسریع سقوط رژیم را قبل از هر چیز باید در سیاستهای خود رژیم جست. فساد بی پایان، اقتصاد رانتهی نتیجه ملغی شدن برجام نیستند بلکه نتیجه سیاستهای یک رژیم مستبد و فاسد است. بر اینها باید استبداد سیاسی و مذهبی را افزود. مگر کشور کوبا 40 سال تحریم نبود؟ اما کوبا با اینهمه فساد و نابرابری اقتصادی مواجه نشد. علت اصلی حضور مدیران بی کفایت و فاسد با داشتن یک ایدولوژی عقب مانده در ایران است.

ندای آزادی: با توجه به قدرت و امکانات گسترده امریکا برای تحریم ایران و تحت فشار قراردادن کشورهای دیگری که با ایران مناسبات اقتصادی دارند، خروج امریکا از برجام چه پیامدهای برای مردم ایران و برای جمهوری اسلامی به همراه خواهد داشت؟

مصطفوی: تشدید تحریمها فشار را به مردم و طبقات کم درآمد بیشتر می کند جمهوری اسلامی می تواند با تزریق ترس از آینده بدتر از این وضعیت سود ببرد. در ماههای آینده با هرچه بدتر شدن وضعیت معیشتی مردم روبرو خواهیم بود. و اگر خواسته های آنان در یک بیان و خواست سیاسی عمومی تبلور پیدا نکند برای جمهوری اسلامی سرکوب اعتراضات چندان مشکل نخواهد بود. اما جمهوری اسلامی برای بیرون رفتن از بحران هم در حال مذاکره با امریکا و هم در حال تحکیم روابط خود با روسیه است. یعنی کاری که همیشه کرده است: حل مسائل از طریق خارجی و نه از طریق جامعه ملی.

ندای آزادی: اپوزیسیون خارج از کشور چه وظائفی در این شرایط بر عهد دارد؟

مصطفوی: در شرایط پیچیده و خطیر کنونی مخالفان دمکرات بیش از پیش

باید خود مستقل از جمهوری اسلامی و مستقل از قدرتهای خارجی کنند و میدان عمل باید خواسته های مردم و تدارک جنبش عمومی باشد. مخالف باید بدیل باشد یعنی برنامه ارائه دهد نه اینکه فقط مخالفت کند و یا زمانی که فکر جمعی جبار ایجاد می شود دنباله رو گردد. متأسفانه هنوز در آنچه که به برجام مربوط می شود کار مناسب را انجام نداده ایم. بخشی در انتظار معجزه از سوی ترامپ هستند و بخشی دیگر هنوز امید به اصلاح دارند و از سیاستهای آقای روحانی حمایت می کنند. اما ما نیاز به یک راه حل ملی داریم. باید واقعیت را با مردم ایران در میان گذاشت و هر فرد مسئولیت خود را بپذیرد. ادامه وضعیت کنونی می تواند حتی حیات ملی ما را بخطر اندازد اگر در مقابل استبداد سیاه که بنام مذهب حاکم شده است نایستیم و اگر سیاستهای سیاه آمریکا و روسیه در منطقه را افشا نکنیم. اگر بدنیاال هر راه حل دیگری به غیر از جنبش مردم برای تغییر رژیم و استقرار دموکراسی باشیم به بدتر کردن وضعیت کمک کرده ایم. باید شجاعت داشت و در مقابل تبلیغات دروغ و تحریفات همه جانبه ایستادگی کرد. از اینرو نزدیک شدن گروهها و شخصیتهای سیاسی سالم و مستقل و دمکرات و جمهوریخواه می تواند به حرکت مردم و فراگیر شدن آن و باز کردن افق برای تغییر به سوی دموکراسی کمک کند.

پرسش و پاسخ ندای آزادی از فعالان سیاسی در باره ی مقدرات برجام رضا اکرمی

ندای آزادی: با توجه به شرایط سالهای قبل از برجام مانند تحریم های بین المللی و خطر جدی جنگ، آیا برجام (برنامه جامع اقدام مشترک) قرارداد مثبتی برای کشور ما بود، و یا فقط باعث بقای جمهوری اسلامی شد؟

رضا اکرمی: با توجه به تصویب قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل متحد و اتفاق نظر پنج کشور عضو این شورا به اضافه آلمان (۱+۰)، مبنی بر اجرای تحریمها و تنبیهاتی که قطعنامه های مذکور در نظر گرفته بود عدم امضاء برجام از سوی ایران می توانست به جنگ بی انجامد. در اینکه اگر چنین جنگی در می گرفت، آیا رژیم جمهوری اسلامی، از درون می پاشید و یا خیر، می توانست با بسیج بخشی از مردم در مقابل آن مقاومت نماید، حتی امروز هم بر ما روشن نیست، اما يك مسئله کاملاً روشن است که کشور ما با خسارات سنگینی مواجه می شد و سرو سامان دادن به قدرتی که بتواند جانشین جمهوری اسلامی شود و از حق حاکمیت مردم بدون وابستگی به نیروهای مهاجم خارجی اعمال قدرت نماید تقریباً غیر ممکن بود. پس طرح مسئله بدینصورت مشکلی را حل نمی کند که پذیرش برجام باعث بقای جمهوری اسلامی شد یا خیر؟ به اعتقاد من با توجه به سیاستهای نادرست حکومت پیش از آن، از جمله هزینه سرسام آور، برای ایجاد آمادگیهای اتمی و همینطور کوبیدن بر طبل «حق مسلم هسته ای»، نادیده گرفتن فشارهای پیش از تحریم برای رسیدن به توافق، راهی جزء آنچه به برجام ختم شد برای حکومت ایران باز نگذاشته بود، طرفهای غربی هم اگر چه ممکن بود به جنگ کشیده شوند اما هنوز در چنین فازی نبودند پس آنها هم بدنبال راه حلی می گشتند که تضمین لازم برای کنترل بر تلاشهای هسته ای ایران را بدهد و برجام این منظور را حاصل می کرد.

ندای آزادی: در صورتی که ایران به تعهداتش بر مبنای این توافق ادامه دهد و دیگر طرفهای برجام مانند چین، روسیه و اروپا به آن پایبند بمانند، برجام می تواند بدون حضور امریکا ادامه داشته باشد؟

اکرمی: بستگی دارد که ایران تا چه میزان و چگونه بر تعهداتش باقی بماند. این تعهد را میزان راستی آزمائیهای سازمان بین المللی انرژی هسته ای مشخص می کند و مواضعی که مقامات ریز و درشت حکومت ایران اتخاذ و بیان می کنند. از سوی سایر کشورها منهای آمریکا هم همین مسئله تعهد مطرح است با این تفاوت که آنها به شدت تحت فشار آمریکا قرار دارند. این فشار قبل از هر چیز اقتصادی است اما فشار سیاسی را هم نباید نادیده گرفت. برای چین و روسیه کمتر، اما برای سه متحد غربی آمریکا راضی نگه داشتن دولت دونالد ترامپ بسیار حیاتی می باشد. به همین منظور این سه دولت در جریان مذاکرات جدید حتماً تلاش می کنند تا برخی از خواستهای آمریکا را پیش بکشند. در رأس این خواستها تأمین امنیت

اسرائیل و عدم مداخله ایران در امور کشورهای دوست آنها می باشد. هر گاه برنامه موشکی ایران که فعلاً از طرف خود حکومت اسلامی هم سروصدایش تا حدودی خوابیده است کنار گذاشته شود و یا کمرنگ تر گردد و نیروهای نظامی ایران از سوریه، عراق و یمن به خانه بازگردند و حزب الله لبنان از شاخ و شانه کشیهای نظامی، به همان تلاشهای پارلمانتاریستی و سیاسی روی بیاورد این احتمال قوی می شود که برجام با اصلاحات و یا محدودیتهائی به کار خود ادامه دهد.

ندای آزادی: آیا ملغا شدن برنامه برجام باعث سقوط و یا تسریع سقوط نظام جمهوری اسلامی خواهدشد؟

□ **اکرمی:** پیشتر اشاره مختصری به این موضوع داشته ام. اما برای پاسخ ابتداء باید ببینیم لغو برجام از کدام سو مد نظر است. خوب آمریکا فعلا کنار کشیده است و دنبال چانه زدن است که شروط جدیدی را در آن وارد کند، اما بقیه چی؟ ایران چه خواهد کرد؟ موضع ایران تعیین خواهد کرد که بقیه پای تعهدشان می توانند بایستند یا خیر؟ اگر ایران چنانکه روزهای اول تهدید می کرد بخواهد کنار بکشد و یا به شکلی غنی سازی اورانیوم را از سر بگیرد هر هفت ستون برجام فرو خواهد ریخت اما این روزها بویژه از طرف محمد جواد ظریف بسیار می شنویم که هدف آمریکا رساندن ایران به مرز بیرون رفتن از این تفاهمنامه است او بر همین اساس تأکید می کند ما باید با اروپائیها مذاکراتمان را پیش ببریم اما می دانیم تعیین کنند سیاست در این باره او نیست. پس اصل نحوه فروریختن برجام خود سؤال است. اگر ایران قبل از سائرین پا پس بکشد با شرایط دشواری روبرو خواهد شد، اما سقوط حکومت همانطور که در مقاطع بحرانی پیشین هم دیده ایم لزوماً با حیات و ممات برجام گره نخورده است و به عوامل متعدد دیگری منوط است.

ندای آزادی: با توجه به قدرت و امکانات گسترده آمریکا برای تحریم ایران و تحت فشار قراردادن کشورهای دیگری که با ایران مناسبات اقتصادی دارند، خروج آمریکا از برجام چه پیامدهای برای مردم ایران و برای جمهوری اسلامی به همراه خواهد داشت؟

□ **اکرمی:** تا حدودی به این سؤال شما بالا تر جواب داده ام. اما نتایج خروج آمریکا تا همینجا آشکار است. وعده های سرمایه گذاریهای عمده معلق شده است. تولید که پیش از این هم وضعیت اسفباری داشته است باز هم کاهش یافته. بیکاری پیامد کاهش تولید و خوابیدن چرخ اقتصاد است. بازار ارزو سقوط ارزش ریال به گرانیها

دامن زده است و گفته می شود نگرانی از رسیدن ما یحتاج زندگی تا آنجاست که اقشاری از مردم که هنوز توان خرید دارند به فکر احتکار افتاده اند. و این همه قبل از رسیدن تحریم دامنه دار است که « وعده اش» از سوی تیم ترامپ - پمپئو داده شده است. بنابراین کاملاً واضح است که زندگی بر مردم ما بسیار سخت خواهد شد. در این میان قطعی است که رژیم ایران هم از این تحریمها و فشارهای آمریکا آسیب خواهد دید. لازم نیست به حرفهای صدتا نیم غاز احمدی نژاد و خامنه ای در دوره پیشین تحریمها گوش بدهیم که « بگذار هزارتاز این کاغذ پاره ها صادرکنند کشور ما به خودکفائی بیشتر می رسد»، خود آنها بیشتر از هر کسی می دانستند و دانستند که آنها کاغذ پاره نیستند و نتیجه اش فروریختن پایه های قدرتشان و بویژه امکان تأمین مالی بلند پروازیهایشان گردیده است .

ندای آزادی: اپوزیسیون خارج از کشور چه وظائفی در این شرایط بر عهد دارد؟

□ **اکرمی :** عامل مهمی که از زمان امضاء برجام تا به امروز صورت گرفته است ، تغییر روانشناسی و بالا رفتن روحیه اعتراضی مردم نسبت به حکومت است. بخش بزرگی از مردم و از جمله قلم زنها ی سیاسی برای مدتی به این شعار بی پایه حق مسلم هسته ای (خارج از اینکه فکر کنند چرا و در نتیجه کدام رفتار حکومت این حق از ما گرفته شده است) چسبیده بودند و از آن پشتیبانی می کردند دیگر در موضع پیشین نیستند . امروز مردم بیشتری دارند از حقوق مسلم داخلی خود همچون آزادی ، کار ، مسکن ، برخورداری از امنیت، دوری از تشنج در مناسبات بینالمللی ، حفاظت از محیط زیست و بسیار ساده تر، داشتن حق برق و آب حرف می زنند و برای مطالبه و تحقق آنها به خیابان می آیند. اپوزیسیون اگر واقعاً رسالتی برای خود قائل باشد به چه چیزی جز کمک به ارتقاء این مبارزات ، چشم انداز دادن و سازماندهی آنها باید بیا نندیشد. سؤال خود شما این وظیفه را به فعالیت در خارج از کشور فرو می کاهد، اپوزیسیونی که دغدغه اش حل گرهگاه های مبارزات مردم در ایران نباشد کارش به گرم نگه داشتن محافلی در خارج از کشور خلاصه خواهد شد و بس.

□ هر يك از ما لحظه ای چشم بر هم بگذاریم و به این مسئله فکر کنیم که چه میزان وقت خود را صرف راهیابی مبارزات مردم در ایران می کنیم و چه میزان به کشاکشهای حزبی ، گروهی و محفلی در میان مخالفین رژیم مشغولیم . با کمال تأسف باید بگویم این جدالها در مواردی با همسایه عقیدتی و فکری و سیاسی خودمان بیش از رقبا و

جریان‌ات اجتماعی فاصله دار تر می باشد و انرژی برتر است.

بنا بر این باید به این حرف قدیمی بر گردم که سالهاست تداوم عمر رژیم نه از توانمندیهای او و نه حتی از حمایت فعال و یا منفعلانه اکثریت مردم از آن، بلکه از فقدان آلترناتیو، برنامه و پروژه تغییری می باشد که از پشتوانه مردمی برخوردار باشد. تا چنین امری حاصل نشود محتمل است که روزی این بنای پوسیده فروبریزد اما نتیجه کار لزوماً بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در کشور نخواهد بود. اپوزیسیون اگر واقعاً خود درکی از مفهوم آن داشته باشد باید معمار بنائی باشد که به ضرورت باید جانشین قدرت ساقط شده گردد. اینجاست که باید هر یک از ما به دور و بر خودمان خوب نگاه کنیم ببینیم چه می گوئیم چه میزان از مردم و یا حتی علاقمندان به سیاست از ما شناخت دارند؟ با کدام گروه‌بندیها و یا جریان‌ات فکری دمکراتیک و آزادیخواه در همکاری هستیم، مرزبندیهایمان کدامند و چرا چنین مرزبندیهای داریم، تا شاید به سهم خود بر پراکندگی موجود فائق آئیم.

چون سئوالات شما بیشتر متوجه تحلیل جنبه ای از گرهگاه موجود سیاسی روز است (برجام)، هر چند که در مناسبات بین‌المللی جایگاه ویژه ای دارد و طبعاً بازتابش هم بر زندگی روزمره مردم مهم است، می فهمم که به سقوط حکومت جمهوری اسلامی و وظایف اپوزیسیون هم برسید اما تصور من این است که این رابطه یک به یک نیست. من احتمال زیادی می دهم که این بحران هم، با کش و قوسی که همواره از چنین موش و گربه بازی‌های سراغ داریم برای مدتی تداوم بیابد. در کوتاه مدت، ترکش تحریم‌ها، هم، دامن حکومت را می گیرد و هم سفره مردم را از این‌هم که هست فقیر تر کند اما به جنگ نخواهد کشید و چه بهتر که چنین بشود، اپوزیسیون جمهوری اسلامی ایران اگر واقعاً به رفاه و سعادت و حق حاکمیت مردم می اندیشد باید حسابش را از این دخالت‌های خارجی جدا کند و برای قدرت و قوت گرفتن جنبش‌های اقشار مختلف اجتماعی و سیاسی در ایران چاره ای بی اندشد. زمان زیادی از دست رفته است. همه اش هم به خود اپوزیسیون مربوط نمی شود. بند ناف هر جریان سیاسی اگر به یک پایه اجتماعی متصل نباشد تغذیه صورت نمی گیرد و تن رنجور می ماند. متأسفانه زمان زیادی برد تا مردم به ماهیت رژیمی پی ببرند که در هیچ امرسازندگی و مدیریت سررشته و توانمندی ندارد و برعکس می خواهد مملکت نسبتاً مدرن و البته با فرهنگی همپا با زمانه معاصر را به قعر ارتجاع بازگرداند. این مسئله امروز تا حدودی (فقط تا حدودی) حل شده

است. البته در همین تغییر روانشناسی و کسب شناخت نقش همین اپوزیسیون زخم دیده و پراکنده را هم نباید نادیده گرفت. سرهای بسیاری در راه آزادی بر سر دار رفته است، از همان روزهای اولیه قدرت‌گیری روحانیون و جان بدربرندگان نیز بیکار ننشسته اند. بسیاری علیرغم زندگی دشوار در غربت، لحظه ای سکوت نکردند و از نوشتن و تلاش و کوشش بازمانده اند اما همانطور که پیشتر گفتم نقش اپوزیسیون چیز دیگریست، باید وظیفه و مسئولیتهای خود را شناخت.

رضا اکرمی

۲۷ مرداد ماه ۱۳۹۷

۱۸ اوت ۲۰۱۸

پرسش و پاسخ ندای آزادی از فعالان سیاسی در باره‌ی مقدرات برجام رسول آذرنوش

ندای آزادی: با توجه به شرایط سالهای قبل از برجام مانند تحریم های بین المللی و خطر جدی جنگ، آیا برجام قرارداد مثبتی برای کشور ما بود و یا فقط باعث بقای جمهوری اسلامی شد؟

رسول آذرنوش: درست است در آن سالها خطر جنگ جدی شده بود اما این فقط خطر جنگ نبود خطر دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته ای هم جدی شده بود برجام هر دو خطر را از کشور دور کرد بهمین جهت برجام در آن سالها قرار داد مثبتی برای کشور ما بود.

اما حالا شرایط بکلی تغییر کرده است. خطر دستیابی رژیم به سلاح هسته

ای دستکم برای سالها منتفی شده است چرا که با برجام بخش مهمی از زیرساخت های سایت های هسته ای ایران برجیده شده و مخزن کارخانه اب سنگین اراک بتن ریزی شده است بازگشت به شرایط 2015 برای رژیم ممکن نیست چون این کار به چند سال زمان و یک بودجه کلان نیازمند است و این در حالیست که رژیم با چالش های اساسی از جمله با بحران ارزی و مالی بزرگی روبروست. از اینرو در شرایط مشخص کنونی دیگر خطر هسته ای شدن رژیم مطرح نیست و من فکر میکنم دیگر خطر حمله نظامی به ایران هم نمیتواند یک خطر جدی محسوب شود.

ندای آزادی: در صورتی که ایران به تعهداتش بر مبنای این توافق ادامه دهد و دیگر طرفهای برجام مانند چین، روسیه و اروپا به آن پایبند بمانند برجام میتواند بدون حضور امریکا ادامه داشته باشد ؟

آذرنوش: طرف اصلی ایران در برجام امریکا بوده است. با خروج امریکا از برجام تحریم ها علیه ایران بازگشته و از ابان ماه امسال ، ایران از نقطه نظر تحریم ها دستکم در وضعیت 2015 قبل از امضای برجام قرار خواهد گرفت و دیگر طرفهای برجام هم نمی توانند مانعی جدی در برابر این تحریم ها ایجاد کنند. روسیه خود صادر کننده نفت و گاز بوده و بخاطر انضمام کریمه زیر تحریم های غرب قرار دارد و بنابراین نمیتواند نقش چندانی در شکستن تحریم ها داشته باشد. چین بعنوان یکی از وارد کنندگان اصلی نفت ایران در جنگ تجاری با امریکا قرار دارد. چین در عین حال یکی از صادر کنندگان اصلی کالا به امریکا است و مبادلات تجاری اش با امریکا قابل قیاس با ایران نیست. بنظر میرسد برسر

تحریم های ایران همچون گذشته نوعی سازش و مصالحه بین دوکشور صورت بگیرد و چین در ازای کاهش واردات نفت از ایران از تحریم های بین المللی امریکا معاف گردد.

روابط اتحادیه اروپا و امریکا بعد از روی کار آمدن ترامپ بخاطر هژمونی طلبی امریکا در عرصه سیاسی و دیپلماتیک و پروتکسیونیسیم در عرصه روابط تجاری با تنش وتیرگی همراه بوده است. تا جائیکه به برجام مربوط میشود مواضع امریکا و اروپا از لحاظ مضمونی کم و بیش یکسان و بر هم منطبق اند. هر دو طرفدار اصلاحات در برجام بویژه در بند معروف به بند غروب، بازرسی های سختگیرانه تر از تاسیسات غنی سازی

محدود کردن فعالیت های موشکی ایران و تغییر سیاست های منطقه ای اش در خاور میانه هستند. اما آنجا که به چگونگی تحقق این هدف ها مربوط میشود آنها رویکرد های متفاوتی را دنبال میکنند. اروپا خواهان حفظ برجام در عین اعمال فشار بر ایران در خارج از کادر این توافق است در حالی که امریکا با خروج از برجام در پی وارد کردن فشارهای سنگین برای بازگشت ایران به پشت میز مذاکره است. اخبار و اطلاعات ماه های اخیر از جمله خروج کلیه شرکت های بزرگ اروپائی از ایران و عدم معامله بانک های بزرگ اروپائی با ایران نشاندهنده این واقعیت است که اروپا نه میخواهد و نه میتواند در برابر سیاست امریکا مانعی جدی ایجاد کند.

ندای آزادی: آیا ملغا شدن برجام باعث سقوط و یا تسریع سقوط نظام جمهوری اسلامی خواهد شد ؟

آذرنوش: نه بنظر من ملغا شدن برجام و بازگشت تحریم ها بخودی خود باعث سقوط نظام نخواهد شد اما می تواند انرا تسریع کند همانطور که عوامل دیگری مانند فساد سیستماتیک نظام

و یا تضاد و در گیری جناح های رژیم میتوانند در تسریع سقوط رژیم نقش داشته باشند.

در این میان فاکتور اساسی و تعیین کننده جنبش اعتراضی رادیکال مردم است که از دیماه گذشته در صحنه سیاسی ایران ظاهر شده و همه معادلات و محاسبات رژیم را بهم ریخته است. پایوران نظام بیش از بازگشت تحریم های امریکا از تبدیل شدن این جنبش به یک انقلاب هراسان اند. طبیعا لغو برجام و بازگشت تحریم ها فشار وارده بر زندگی و معیشت مردم را تشدید میکند اما مسئولیت ان از دید مردم بدرستی متوجه رژیم و سیاست های پان اسلامیستی اش در منطقه است.

ندای آزادی: با توجه به قدرت وامکانات گسترده امریکا برای تحریم ایران و تحت فشار قرار دادن کشورهای دیگری که با ایران مناسبات اقتصادی دارند، خروج امریکا از برجام چه پیامدهائی برای مردم ایران و برای جمهوری اسلامی به همراه خواهد داشت ؟

آذرنوش: در شرایط کنونی جمهوری اسلامی با سه گزینه روبرو خواهد بود. اول بازگشت به میز مذاکرات با ترامپ و دستیارانش برای امضای یک قرار داد جدید. دوم خروج از برجام و تلاش برای احیای غنی سازی با غلظت بالا. و سوم ماندن در برجام با وجود بازگشت تحریم ها .

گزینه اول یعنی پذیرش مذاکره با ترامپ در شرایط کنونی و از موضع ضعف چیزی جز پذیرش خواست های ترامپ و تسلیم شدن به امریکا نیست. این برخلاف عقب نشینی های جمهوری اسلامی مثلا در جریان پذیرش قطعنامه 598 سازمان ملل و یا پذیرش برجام یک عقب نشینی تاکتیکی نیست بلکه یک عقب نشینی استراتژیک است که هیچ نوع سازگاری با ساخت و بافت رژیم ندارد. اگر چه پذیرش چنین گزینه ای در یک شرایط خاص مثلا اوجگیری جنبش اعتراضی مردم منتفی نیست اما با داده های فعلی گزینه احتمالی بنظر نمی رسد.

گزینه دوم یعنی خروج ایران از برجام ، احیای سایت ها و از سرگیری غنی سازی است اما بازگشت به شرایط قبل از برجام چنانکه بالاتر اشاره کردم با توجه به تحریم های سنگین امریکا لااقل در کوتاه مدت برای رژیم امکان پذیر نیست

بعلاوه خروج ایران از برجام بر اساس خود این توافق بمعنای بازگشت تمامی تحریم ها و اعمال ان توسط همه اعضای 1+5 ، بازگشت قطعنامه های شورای امنیت و همچنین قرار گرفتن دو باره ایران زیر فصل هفت منشور سازمان ملل و بازگشت پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل است. به این دلیل ، علیرغم تهدیدهای خامنه و برخی از سرداران سپاه ، با توجه به بحران هایی که رژیم را در بر گرفته ، بعید است که چنین گزینه ای مد نظر سران رژیم قرار بگیرد

گزینه سوم باقی ماندن در برجام و تداوم اجرای تعهدات ایران برغم بازگشت تحریم ها به امید دور زدن تحریم ها ، مبادلات تهاتری با چین و برخورداری از پاره ای امتیازات در بسته پیشنهادی اروپا تا برکناری ترامپ در انتخابات دو سال آینده ریاست جمهوری امریکاست گزینه ای که محتمل تر بنظر میرسد و مورد حمایت چین و روسیه و اتحادیه اروپاست. اما انتخاب این گزینه هم برای رژیم با چالش تصویب لوایح چهار گانه گروه ویژه اقدام مالی مربوط به مبارزه با جرائم مالی ، پولشویی و کمک به تروریسم روبروست که رژیم تاکنون از تصویب ان شانه خالی کرده و این در حالیست که بسته پیشنهادی اروپا مشروط به تصویب این لوایح تا ابان ماه توسط رژیم شده است. طبعاً تصویب این لوایح مشکلات بزرگی در پولشویی داخلی و کمک های مالی به حزب اله لبنان و دیگر گروه های تروریستی خارجی برای رژیم ایجاد میکند.

در شرایط کنونی شواهد و قرائن حاکی از نوسان رژیم در انتخاب بین گزینه دوم و سوم است و جناح بندیهای رژیم حول این مساله به شدت

با یکدیگر درگیرند که گوشه هائی از آن در مجلس و یا دیگر ارگان های رژیم خود را نشان میدهند

ندای آزادی: اپوزسیون خارج از کشور چه وظایفی در این شرایط بر عهده دارد ؟

آذرنوش: واقعیت اینست که رژیم طی سالها بخش بزرگی از ثروت ملی ما را صرف ساختن تاسیسات هسته ای و غنی سازی اورانیوم کرده که هدف آن دستیابی به سلاح هسته ای بوده است و بس.

درحالیکه هسته ای شدن ایران نه از جنبه نظامی و نه حتی از جنبه های اقتصادی وزیست محیطی کوچکترین نقطه اشتراکی با منافع مردم ما ندارد، از این جهت اساس برجام همواره باید مورد نقد و افشاگری اپوزسیون قرار گرفته و شعارهای مخالفت با هر نوع غنی سازی و ضرورت برجیده شدن تمام سایت ها و تاسیسات مربوطه از طریق اپوزسیون بدرون جنبش اعتراضی مردم برده شود. کار آگاهگرانه در این رابطه بنظر من یکی از وظایف اصلی بویژه اپوزسیون چپ و مترقی در داخل و خارج کشور است. اما شوربختانه در این شرایط این وظیفه از جانب اپوزسیون عمدتا مغفول مانده و بدتر از آن ، برجام حتی از سوی بخشی از اپوزسیون بی هیچ دلیل قابل اعتنائی مورد حمایت قرار دارد .

.

...